روزنامه صبح ایران
وطن امروز
VATANEMROOZ.IR

شنبه | ۷ تیر ۱۴۰۴ | ۲ محرم ۱۴۴۷ | ۲۸ ژوئن ۲۰۲۵ | سال هفدهم | شماره ۴۳۵۱ | ۸ صفحه | ۱۰۰۰۰ تومان

۱۱۹۰ سال و ۳۰۹ روز گذشت

VATAN-E-EMROOZ | VOL.17 | NO.4351 | SAT.JUN.28,2025 | ISSN:2008-2886

از اشک سوگواران تا لبخند رضایت نسل جوان با نوای «ای ایران ایران»

ابتکار محمود

هیأت؛ پایگاه وحدت ملی و حافظه تاریخی ایرانیان

همین صفحه

فریبرز عرب‌نیا می‌گوید عازم ایران است کاری که شاید دیگران هم انجام دهند

بازگشت به خانه پدری

صفحه ۸

۳ تبریک رهبر انقلاب به ملت ایران در سومین پیام تلویزیونی بعد از تهاجم رژیم صهیونیستی

پیروزی بر رژیم صهیونی، سیلی سخت به آمریکا و اتحاد و یکصدایی فوق‌العاده ملت

این پیروزی

عکس: Leader.ir

صفحه ۲

تیترهای امروز

«وطن امروز» گزارش می‌دهد؛ بررسی واکنش‌های بین‌المللی و منطقه‌ای به نتیجه جنگ‌افروزی رژیم صهیونیستی علیه ایران

بوم بوم تل‌آویو

صفحه ۷

بررسی روایات درباره حادثه مشکوک شامگاه پنجشنبه در پایتخت جمهوری آذربایجان

چرا باکو لرزید؟

صفحه ۷

هشدار پلیس فتا به کاربران پیام‌رسان‌های خارجی درباره جاسوسی از اطلاعات

فالگوشی

صفحه ۴

گفت‌وگوی «وطن امروز» با سیدجواد میری درباره مقاومت جامعه ایرانی در جنگ

ویژه

جامعه یاریگر

صفحه ۵

تحلیل ریچارد نفیو درباره تبعات حمله آمریکا به تأسیسات هسته‌ای ایران برای غرب

کوری هسته‌ای

یادداشت روز

سیدامیر انتظاری‌فر

بحث و بررسی‌ها در رابطه با وضعیت برنامه هسته‌ای ایران بعد از حملات آمریکا به فردو بشدت بالا گرفته است، بویژه در آمریکا که بر اساس گزارش‌های متعدد رسانه‌های این کشور، ترامپ متهم است حملاتی نمایشی به فردو انجام داده. این اتهام به ترامپ آنقدر برجسته شده که نه‌تنها ترامپ بارها به آن واکنش نشان داد، بلکه رئیس ستاد کل ارتش آمریکا را هم مجبور کرد با پخش ویدئوهای گوناگون در رابطه با ساختار و کارکرد بمب‌های سنگرشکن، در برابر این اتهامات رسانه‌های غرب موضع بگیرد. پرسش مهم این است: آسیب آمریکا به تاسیسات هسته‌ای ایران در فردو، صرف نظر از هر میزان آسیبی، اساساً چه امکان‌هایی را پیش روی ایران قرار داده است یا این آسیب تا چه میزان مانع ادامه فعالیت‌های هسته‌ای ایران شده است؟ برای پاسخ، بهتر است متنی را که بتازگی توسط ریچار نفیو، معمار تحریم‌های ایران و از چهره‌های برجسته نزدیک به دموکرات‌ها - که به دلیل سال‌ها درگیری با پرونده هسته‌ای ایران داده‌های خوبی از این پرونده دارد- منتشر کرده، مرور کنیم. نفیو در این گزارش اذعان می‌کند بدون در نظر داشتن میزان آسیب، باید گفت به هر روی تاسیسات هسته‌ای ایران تا اندازه‌ای آسیب دیده است اما زمان ارزیابی این نکته که این آسیب‌ها تا چه اندازه برنامه هسته‌ای ایران را به تعویق می‌اندازد، هنوز نرسیده است. وی در این یادداشت اذعان می‌کند شاید این عملیات آمریکا از نظر نظامی، دستاورد باشد اما «چنین موفقیت تاکتیکی‌ای به سؤالات باز درباره دستاوردهای این بمباران‌ها پاسخ نمی‌دهد و اینکه چقدر طول می‌کشد ایران مجدداً به توانایی هسته‌ای دست یابد». بنابراین نفیو اعتقاد دارد شاید این عملیات بمباران از نظر نظامی دستاورد مهمی برای آمریکا باشد اما میان این دستاورد نظامی و امکان بازیابی مجدد پرونده هسته‌ای ایران هنوز نمی‌توان ربط مستقیمی پیدا کرد؛ عملیات نظامی موفق آمریکا لزوماً پاسخ همه سوالات در رابطه با توانایی هسته‌ای ایران نیست. یکی از مهم‌ترین بحث‌ها در رابطه با برنامه هسته‌ای ایران، سرنوشت مواد غنی‌سازی‌شده است. معمار تحریم‌های ایران در این گزارش می‌نویسد حتی در صورت تخریب سایت‌های فعلی هم لزوماً این مواد قرار نیست از بین رفته باشد: «بزرگ‌ترین مساله این است که آیا ذخایر اورانیوم با غنای ۶۰ درصد ایران هنوز وجود دارد و قابل دسترسی است یا خیر؟ گزارش‌های فعلی حاکی از آن است این مواد در فردو و اصفهان زیر آوار ناشی از حملات آمریکا و اسرائیل مدفون شده اما ایرانی‌ها بخش زیادی از اورانیوم خود را دقیقاً برای محافظت در برابر حملات آمریکا در عمق زمین قرار داده بودند و گزارش‌هایی وجود دارد که ایران خود برخی از ورودی‌های تونل‌ها در اصفهان را برای محافظت در برابر بمباران‌ها مهر و موم کرده بود. اگر بخشی از این ذخایر همچنان دست‌نخورده باقی مانده باشد، ایران فقط باید آن را بیرون بکشد». بنابراین حملات آمریکا به سایت‌های هسته‌ای ایران تا این لحظه هیچ اثری بر سرنوشت مواد غنی‌سازی‌شده کشور نداشته است.

بخش مهم دیگر، مساله آسیب به ماشین‌ها و سانتریفیوژهای کشور است. ارزیابی نفیو از آسیب به این دستگاه‌ها چنین است که ایران پیش از آغاز تجاوز اسرائیل، کارهای ساخت یک مجتمع جدید غنی‌سازی را به پایان برده بود: «این سایت [غنی‌سازی جدید] ممکن است در تونل‌هایی باشد که بخش اعظم ذخایر اورانیوم غنی‌شده ایران در آنها نگهداری می‌شد اما حتی در این صورت، کارشناسان مطمئن نیستند آیا این تونل‌ها تخریب شده‌اند یا محتوای داخل آنها غیرقابل استفاده شده است یا خیر؟ حملات به بخش‌های دیگر اصفهان تقریباً به طور قطع تجهیزاتی را که می‌توانست اورانیوم با درجه تسلیحاتی را به اجزای تسلیحاتی تبدیل کند، نابود کرده اما ایران ممکن است تجهیزات اضافی دیگری را در جای دیگری ذخیره کرده باشد». یکی دیگر از مهم‌ترین اجزای برنامه هسته‌ای ایران، دانش، تخصص و نیروی انسانی مربوط به فعالیت‌های هسته‌ای ایران است. نفیو در این گزارش، این فرآیند را که او مغرضانه آن را تلاش برای دستیابی به سلاح اتمی می‌خواند، شبیه ماراتنی می‌داند که دانشمندی، دانش را به نفر دیگر می‌سپارد و می‌نویسد: «هنوز دانشمندان هسته‌ای در ایران وجود دارند که زنده و سالم هستند و مشغول کارند. اگر پروژه هسته‌ای ایران ماراتنی باشد که عمدتاً توسط کارشناسان ارشد انجام می‌شود، مرگ‌ومیرها [ترورها]ی ۲ هفته اخیر ممکن است برنامه را بشدت مختل کرده باشد اما اگر این پروژه هسته‌ای را مانند یک مسابقه دو امدادی در نظر بگیریم که دانشمندان با همکاری نزدیک، به اشتراک گذاشتن اطلاعات، دانش و مهارت‌های عملی با یکدیگر مشغولند، فقدان چهره‌های متخصص ممکن است چندان مهم نباشد. افرادی که باقی مانده‌اند ممکن است تمام دانش مورد نیاز را داشته باشند یا به‌سرعت آن را به دست آورند».

ادامه در صفحه ۶

۱۲ روز جنگ، ۳ سخنرانی و ۲ تکنیک عملیات روانی

موسای انقلاب و جادوی فرعونی غرب

یادداشت

محمد رستم‌پور

«کوچک‌نمایی و بزرگ‌نمایی». اگر بگوییم عملیات روانی عبارت است از همین ۲ تکنیک، گزاف نگفته‌ایم. عملیات روانی در راهبرد و تکنیک، در آفند و پدافند بیش از ۷۰ تکنیک را در برمی‌گیرد، از ۱۹۴۰ تا امروز. پس از آنکه کشورهای پیروز در جنگ دوم جهانی دریافتند آلمان نازی بیش از توانایی بر تصویر تکیه داشته. با این همه و به‌رغم دارا بودن غرب از رسانه‌ها و دانشکده‌های پرشمار، آنچه امروز غرب به آن تکیه کرده، همان ۲ تکنیک کوچک‌نمایی و بزرگ‌نمایی است. دستکاری در اندازه و عمق واقعیت و بازنمایی و روایت منحرفانه با هدف گذر از لایه‌های شناخت ذهنی افکار عمومی، هدف عملیات روانی است. با تکثر رسانه‌ها و تلویزیون‌ها، اندک‌اندک عملیات روانی با مکتب تغییر رفتار در علوم اجتماعی ترکیب شد و از میدان رزم به ساحت‌های دیگر بویژه سیاست راه یافت. این تسری، برخی تکنیک‌های دیگر مانند تکرار، دروغ بزرگ و افشاگری را به شماری بیش از کوچک‌نمایی و بزرگ‌نمایی رساند اما ۳ جنگ ویرانگر که در پی ساخت نظم امنیتی جدیدی در جهان است، یعنی جنگ روسیه و اوکراین، جنگ رژیم صهیونیستی و غزه و حالا جنگ ۱۲ روزه آمریکا و اسرائیل با جمهوری اسلامی ایران، دوباره تکنیک‌هایی بنیادین را در دستور کار طراحان قرار داده است. از ساعات نخست جنگ، القای اختلاف و چندقطبی، تلاش برای ترسیم جنگ به عنوان یک جنگ غیرمردمی و حکومتی از سوی دستگاه عملیات روانی غرب و سانسور و تحریف در رسانه‌ها و پلتفرم‌ها به اولویت جدی رژیم صهیونیستی تبدیل شد. در نقطه مقابل، توضیح و روشنگری و ابهام‌زدایی و در یک معنای بالاتر، تبیین در پی آن است که عملیات روانی سهمگین مسموم رقیب را خنثی کند. با این مقدمه باید تصریح کرد سومین پیام ویدئویی رهبر انقلاب از ابتدای جنگ واجد نکاتی اساسی است که باید از نظر رسانه‌ای به آن توجه و اعتنا کرد. اولا این پیام، غیر از متن و ویدئو، خنثی‌کننده شایعات پرشماری بود که بویژه پس از ترور فرماندهان نظامی یه جامعه ایران تزریق شده بود. پس از روز نخست نبرد، ۲ انگاره اساسی در دستور کار ماشین دروغ رژیم قرار گرفت: اولی به توانایی ایران در پاسخگویی به حملات تروریستی اشغالگران قدس بازمی‌گشت و دومی از سلامتی و تندرستی رهبر انقلاب می‌پرسید. حتی پیام‌های اول و دوم حضرت آیت‌الله خامنه‌ای هم دشمن را از کار روی شخص و شخصیت رهبر حکیم انقلاب منصرف نکرد. با آنکه اندیشکده‌های معتبری مانند استراتفور در گزارش‌های تفصیلی، امکان تغییر نظام را رد کرده بودند، بنیادها و نهادهای اسرائیلی تلاش کردند از پرداختن به رهبر انقلاب کناره نگیرند و چنین القا کنند که مهم‌ترین مانع تغییر نظام، شخص رهبری است. این خط در ادامه همان دوگانه رفاه/ جنگی است که بر مقاومت شخص آیت‌الله خامنه‌ای بر حفظ حق مسلم غنی‌سازی تاکید داشت؛ چیزی که نتانیاهو و حساب‌های کاربری رژیم در شبکه‌ها و پیام‌رسان‌ها بارها و بارها در آن دمیده بود و مقصرسازی رهبر انقلاب را در نظر داشت. دومی تبادرند وضعیت فرماندهی رهبر انقلاب با راهبری جنگ و هدایت شهید سرافراز سیدحسن نصرالله با تکیه بر حساب‌های ناشناس و جعلی شبکه‌های اجتماعی بود. با ادامه ترورها هر گونه حماسه‌آفرینی نیروهای جان‌برکف ایران در انهدام تأسیسات نظامی و مقرهای حیاتی رژیم با عبور از پدافند ۷ لایه گنبد آهنین، ابتدا با سانسور و بایکوت و در ادامه با تکنیک انحراف‌سازی روبه‌رو شد. در سومین مواجهه، دستکاری کلمات و استفاده از واژگانی که تیزی و هدفمندی پیام رهبری را کند سازد، در اولویت قرار گرفت. بازتاب بیانات رهبر انقلاب در سومین پیام ویدئویی نشان می‌دهد رسانه‌هایی مانند آسوشیتدپرس و تایم که موافق حمله نظامی آمریکا به ایران بودند، اولا تعابیری همچون «ایران اسرائیل را له کرد و به آمریکا سیلی سختی زد»، اصلا بازتاب ندادند، همچنین برای پوشش سخنان ایشان از کلمه «ادعا» (Claim) استفاده کردند اما گروه دوم رسانه‌ها مانند آکسیوس که مخالف حمله نظامی آمریکا بودند، اتفاقا سعی کردند تصریحات آیت‌الله خامنه‌ای را با کلمه «اظهار یا اعلان» (Declare) توصیف کنند.

ادامه در صفحه ۲

ضربه به نقاط استراتژیک رژیم صهیونیستی تأییدی بر پیام رهبر انقلاب مبنی بر له شدن آن است

زیر دست و پای اتحاد ملی

دیدگاه

مصطفی نصری

پیام پنجشنبه گذشته رهبر انقلاب اسلامی خطاب به ملت ایران، به عنوان سومین پیام تلویزیونی در واکنش به تهاجم رژیم صهیونیستی، یکی از مهم‌ترین بیانیه‌های سیاسی -راهبردی در شرایط کنونی منطقه به شمار می‌رود. این پیام نه‌تنها بیانگر مواضع قاطع جمهوری اسلامی ایران در برابر دشمنان، بلکه نشانه‌ای از قدرت، عزت و انسجام ملی ایران در برابر تهدیدات خارجی است. از زمان پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۵۷، ایران همواره در معرض فشارهای سیاسی، اقتصادی و نظامی از سوی ایالات متحده و متحدانش، بویژه رژیم صهیونیستی قرار داشته است. رهبر انقلاب در این پیام به هدف اصلی آمریکا مبنی بر «تسلیم ملت ایران» اشاره کردند که توسط ترامپ نیز صریحا به آن اشاره شد. این هدف که به گفته ایشان در اظهارات رئیس‌جمهور آمریکا به صورت علنی بیان شد، نشان‌دهنده عمق دشمنی و استراتژی بلندمدت آمریکا برای تضعیف ایران است. ایران با تکیه بر پیشینه تمدنی و فرهنگی غنی خود، در برابر این فشارها مقاومت کرده و به جای تسلیم، توانسته است قدرت نظامی، علمی و سیاسی خود را تقویت کند. پیام اخیر رهبر انقلاب در شرایطی منتشر شد که رژیم صهیونیستی و آمریکا با حملات نظامی به ایران، سعی در تضعیف توان دفاعی و هسته‌ای کشورمان داشتند. با این حال، پاسخ قاطع ایران به این حملات که به گفته رهبر انقلاب شامل ضربات سنگین به رژیم صهیونیستی و سیلی محکم به آمریکا بود، نشان‌دهنده تغییر معادلات منطقه‌ای به نفع ایران است.

■ عزت و ایستادگی ایران

یکی از مهم‌ترین بخش‌های پیام رهبر انقلاب، تأکید بر عزت و تمدن تاریخی ایران در برابر خواسته آمریکا برای تسلیم شدن بود. ایشان با اشاره به پیشینه تمدنی و فرهنگی ایران فرمودند: تسلیم شدن برای ملتی با این عظمت، مایه استهزاست. این بخش از پیام، نه‌تنها یک پاسخ قاطع به اظهارات رئیس‌جمهور آمریکا بود، بلکه پیامی به جهانیان بود که ایران هرگز در برابر فشارهای خارجی سر خم نخواهد کرد. ایران، با تکیه بر تمدن کهن و فرهنگ غنی خود، توانسته است در برابر فشارهای سیاسی، اقتصادی و نظامی دشمنان مقاومت کند. این مقاومت که به فرموده رهبر انقلاب از ابتدای انقلاب اسلامی ادامه داشته، نتیجه‌ای جز پیروزی برای ایران به همراه نداشته است. از حقوق بشر گرفته تا مساله هسته‌ای و ساخت موشک، آمریکا و متحدانش همواره بهانه‌هایی برای فشار بر ایران مطرح کرده‌اند اما هدف اصلی آنها، همان‌طور که رهبر انقلاب اشاره کردند، تسلیم ایران است. این هدف که در اظهارات رئیس‌جمهور آمریکا به صورت علنی بیان شد، نشان‌دهنده عمق دشمنی آمریکا با ایران است اما ایران، با تکیه بر عزم پولادین ملت و توانمندی‌های نظامی و علمی خود، نه‌تنها تسلیم نشده، بلکه توانسته است ضربات سنگینی به دشمنان خود وارد کند.

■ نشانه‌های پیروزی و عزت

رهبر انقلاب در پیام‌شان ۳ تبریک به ملت ایران گفتند که هر یک از آنها بیانگر جنبه‌ای از پیروزی‌های اخیر ایران است. این تبریک‌ها نه‌تنها به عنوان یک پیام روحیه‌بخش برای ملت ایران، بلکه به عنوان یک اعلام رسمی از قدرت و اقتدار جمهوری اسلامی در برابر دشمنان مطرح شد.

۱- تبریک پیروزی بر رژیم صهیونیستی

اولین تبریک رهبر انقلاب به پیروزی ایران بر رژیم صهیونیستی اختصاص داشت. ایشان با اشاره به ضربات سنگین واردشده به رژیم صهیونیستی، از «له شدن» رژیم سخن گفتند. این گزاره با بررسی دقیق نقاط مورد اصابت موشک‌ها و پهپادهای ایرانی تأیید می‌شود. رژیم صهیونیستی که خود را دارای یکی از پیشرفته‌ترین سیستم‌های پدافندی جهان معرفی می‌کند، نتوانست در برابر موشک‌های پیشرفته ایران مقاومت کند. بر اساس اطلاعات ارائه‌شده، بیش از ۳۰ نقطه استراتژیک سرزمین اشغالی هدف حملات دقیق ایران قرار گرفت. این ضربات توان نظامی رژیم صهیونیستی را تضعیف کرد و در کاهش اعتماد به نفس این رژیم و حامیانش بسیار موثر واقع شد.

۲- تبریک پیروزی بر رژیم آمریکا

دومین تبریک رهبر انقلاب به پیروزی ایران بر آمریکا اختصاص داشت. ایالات متحده که برای نجات رژیم صهیونیستی وارد جنگ مستقیم با ایران شد، نتوانست به اهداف خود دست یابد.

ادامه در صفحه ۸

از اشک سوگواران تا لبخند رضایت نسل جوان با نوای «ای ایران ایران»

ابتکار محمود

نکته

مهرداد احمدی

در شب نخست محرم ۱۴۴۷، در میان شور و سوگواری هیات‌های مذهبی، لحظه‌ای شکل گرفت که می‌توان آن را نه فقط یک واقعه احساسی، بلکه تجلی یک امکان تاریخی دانست؛ لحظه‌ای که مداحی حاج‌محمود کریمی با نوحه «ای ایران ایران» در برابر چشمان مردمی از لایه‌ها و خاستگاه‌های گوناگون اجتماعی، به مظهری بی‌سابقه از ظهور هنر دینی – ملی بدل شد. این واقعه نه صرفاً از آن جهت مهم است که نوحه‌ای تازه خوانده شد، بلکه به این سبب واجد اهمیت است که در آن، چیزی به صحنه آمد که سال‌ها در ذهن و ضمیر ایرانیان، آگاهانه یا ناآگاهانه، در انتظار تولد مجدد بود: وحدت دین و میهن، به‌مثابه یک تجربه زیسته و جاری در حیات جمعی. آنچه شنیده شد، فقط یک نوحه نبود؛ بازآفرینی مفهومی کهن بود که گویی در سال‌های اخیر زیر خاکستر تناقضات مصنوعی به محاق رفته بود. این مفهوم، چیزی نیست جز «هنر دینی-ملی». این تعبیر ممکن است در نگاه نخست، پارادوکسیکال یا ابهام‌آمیز به نظر برسد. آیا دین و ملیت، در ذات خود یکدیگر را طرد نمی‌کنند؟ مگر نه آنکه تاریخ معاصر ما مملو از تلاش‌هایی بوده که یا بر سر میهن شمشیر دین کشیده‌اند یا زیر بیرق دین، ملت را به عنصری فرعی تقلیل داده‌اند؟ پاسخ این پرسش‌ها در نوعی فهم تاریخی-فلسفی از نسبت دین و ملت نهفته است که آن شب، بی‌واسطه و بی‌تئوری‌بافی، در یک قطعه نوحه ظاهر شد. آنجا که حاج‌محمود کریمی با صدایی آکنده از سوگ و شوق، نام ایران را در کنار خون امام حسین(ع) نشاند، مرزی را درنوردید که سال‌ها ذهنیت رسمی و روشنفکری به طور موازی ترسیم کرده بودند: مرز میان «حماسه دینی» و «عاطفه ملی».

ادامه در صفحه ۸

مارگارت تاچر تا ترامپِ تاجر

نگاه

زهرا محسنی‌فر

ترامپ دیپلمات نیست؛ لات است؛ آدمی با اختلال دوقطبی که هنوز در دنیای تک‌قطبی سیر می‌کند. سطح خودشیفتگی‌اش برای فرعون که خود را خدای جهان‌آفرین می‌دانست هم قفل است. ترامپ، عصاره فضولات آمریکاست. غرب بدون زرورق است. واقعیت عریان لیبرال -دموکراسی است. زنگیِ مستی است که عقلای ینگه دنیا تیغ تیز قدرت را دست او داده‌اند و نمی‌دانند چگونه پس بگیرند. پرزیدنت، بر اریکه قدرت نشسته و خود را در ردای پادشاهی می‌بیند اما کسی جرأت ندارد به او بگوید عریان است. هر که تصویر خیالی ابرقدرتی‌اش را خط‌خطی کند، فحش‌کش می‌شود. شخصیت پفکی‌اش شبیه گوش‌فیل است اما فکر می‌کند از دماغ فیل افتاده. ماشین سیاست‌ورزی غرب، آب و روغن قاطی می‌کند وقتی از عصر مارگارت تاچر به دوران ترامپ تاجر می‌رسد. ما سرگرم مذاکره غیرمستقیم با شیطان بزرگ بودیم اما ترامپ داشت در لیگ دیگری بازی می‌کرد. مسقط و رم، صحنه تئاتر دیپلماسی بود و دست‌های چدنی درون دستکش‌های مخملی، انگشتان خود را ورز می‌دادند. از خیلی سال پیش می‌دانستیم ما بالاخره سنگ‌های خودمان را در مذاکره با آمریکا واخواهیم کند؛ وقتی شتر از سوراخ سوزن رد شود. در آن هنگام که نِی گل بدهد و گاو نر را بدوشیم. وقتی غداران قداره‌بند عالم، قیافه فتوژنیک به خود می‌گیرند و ادکلن می‌زنند و با رولزرویس مشکی شیشه‌دودی پلاک دیپلماتیک برای گفت‌وگو می‌آیند، باید شست ما خبردار شود که می‌خواهند چنگی بزنند. وقتی کورتکس کلفت‌های چشم‌آبی کارهای کثیف‌شان را قنتراط می‌دهند دست اسرائیل تا روی دستمال گردن‌شان لک نیفتد. باید انگشتان‌مان را بشماریم وقتی با آنها دست می‌دهیم. بله! مونارنجی مغزفندقی بالاخره میزانسن میز دیپلماسی را خرد و خاکشیر کرد و شمشیر را از رو بست و افسار پاچه‌گیر گوش‌مخملی را باز کرد و با اشاره انگشت، ایران را نشان داد. برآورد پت و مت‌های واشنگتن و تل‌آویو این بود که وقتی غزه و بیروت و دمشق پَر، تهران هم آماده پرپر. آمدند و به مشت محکم ملت و نیروهای مسلح خوردند. تعرض به جغرافیا، آتشفشان خفته وحدت مردم را بیدار کرد و به آتش زیر خاکستر وطن‌دوستی ایرانیان باد زد. مشت‌های گره‌کرده مردم زیر آتش‌بار پدافند هوایی، سوخت ابرفراصوت‌ها شد تا تل‌آویو و حیفا را شرحه‌شرحه کنند. بزی که نیروی گاو نر نداشت، به مصاف شیر آمده بود. خیلی زود پدرخوانده تروریست‌های عالم، سگ هار منطقه را از زیر لگدمال ایران بیرون کشید تا صدای عوعوی او آبروی ابرقدقدی‌اش را نبرد. بله! ترامپ، دیپلمات نیست؛ لات کوچه خلوت است و ما با موشک‌باران العدید، روی صورت او تیزی کشیدیم. دشمن ابله، موهبت است.

ادامه در صفحه ۲